

یادداشت های پراکنده

از زنده یاد مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری کمال

قسمت بیست و چهارم

هر شب که قمر تابید هر صبح که سرزد شمس

درگردش روز و شب شمس و قمرم بودی



فرضیه ها (Hypothèses)

ماه می ۲۰۱۶

سه فرضیه عمده به قرار ذیل می باشد:

- بی ریشه شدن طبقه یا کتگوری زارعین و مالداران (یا دنیای زراعت و مالداري) به نفع پروسه یا روند تشکیلات دولتی که نشان دهنده پدیدار شدن زمینه اجتماعی جهاد مسلحانه در افغانستان می باشد؛

- ماحول یا اوضاع سیاسی که تشکیل کننده ساختار، محدودیت ها و فرصت طلبی های فعالان سیاسی، و تاریخی، که تعیین کننده زمینه برای کشمکش ها، بین منطق جدا طلبی، تفرقه و چند دستگی جامعه از یک طرف، و موقعیت گیری ایدیولوژیکی از طرف دیگر می باشد.

به عبارۀ دیگر فعالان سیاسی مجبور هستند، که با یک ماحولی که اساساً توسط یک «کود دوگانه» «double code» (راه و رسم و مقررات) ساخته شده است عمل کنند.

- عبور به خشونت مسلحانه و تحرکات یا دینامیک خشونت دسته جمعی همه نتیجه ارتباطات قوای منطقی و بین المللی، و دقیقاً نتیجه فعالیت بازیگران فراملتی در داخل بازار بین المللی جنگ می باشد.

دو فرضیه اول، مشخصه ساختار ساحة سیاسی و اجتماعی بوده که تشریح و تعریف از تحلیل و تجزیه آن به عنوان نتیجه یک پروسه تشکیل شده، در دراز مدت می باشد، و به ما اجازه به دانستن دستور زبان سیاسی را در افغانستان می دهد.

فرضیه سوم مشخصاً به میکانیزم و حوزه صلاحیت خشونت های مسلحانه که قبلاً به آن اشاره شد ارتباط می گیرد، که ایجاد تفکر و رهنمایی به سطح محلی بالای تحلیل فرضیه خشونت مسلحانه، در جنوب - شرق، مرکز - شرق و همچنان شمال - شرق افغانستان می نماید.

تحلیل دینامیک خشونت های مسلحانه در این نمونه محلات منشأ خود را از منطق دو فرضیه اول می گیرد، که نشان دهنده بی ریشه شدن اجتماع و «double code» می باشد، که در قسمت اول از آن نام برده شده است.

با وجود آن، تحلیل و انالیز به طور یکسان نشان می دهد که به صورت ساختاری در سه محل، اساس و بنیاد اجتماعی - سیاسی، مشخص گردیده است، پدیده های خشونت مسلحانه عبارت از همان شبکه های فراملتی است که ارتباط به قدرت های منطقی و بین المللی، که نمایندگی از بازیگران اصلی و عمده «جنگ کُلی علیه وحشت» «guerre globale contre la terreur» می نمایند. منطق درگیری و نزاع بصورت دوا مدار ارتباط می گیرد به عملکرد شبکه های مسلحانه فراملتی و ارتباطات قوت ها، که بازی گران جنگ را در تقابل به دور بُرد و باخت جیوستراتژیکی و اقتصادی قرار می دهد.

اندیشه و فکر بالای این سه فرضیه، در هر دو زمان، ما را رهنمایی می نماید، تا بصورت خلاصه نشان بدهیم:

تحلیل در دراز مدت:

مجموع قوانین و دستور زبان سیاسی در افغانستان:

عوامل اجتماعی و هویتی عبور خشونت در افغانستان بعد از تأمل و رهنمایی که قبلاً به آن اشاره شد قابل شناخت است که عبارت از همانا مفهوم قوم است. برای یاد آوری، سه نقطه برجسته که باعث ایجاد رابطه بین تعریف و توصیف و بسیج کردن مردم می گردند عبارت اند از:

- بسیج نمودن که باعث تجمع یک شبکه اتحاد و همبستگی می شود؛

- یک عنصر ساختاری ساحه اجتماعی که در آن شناخت از عین نسل و نیاکان که به ما اجازه توضیح و تشریح بین گروپ ها و اندازه ارتباطات شان را می دهد.

- ارتباطی که در واقع از قبل بین تشکیلات اجتماعی و داد و گرفت سمبولیک، و هویتی در زندگی اجتماعی موجود است. این داد و گرفت سمبولیک نتیجه پروسه تأثیر متقابل است، که تنظیم کننده روابط بین گروپ ها می باشد. در حالیکه استعمال مفهوم قوم به حیث کمک کننده فعالیت های دسته جمعی، نتیجه پروسه ایست که به صورت تاریخی ساخته شده و مربوط به محیط اجتماعی - سیاسی می باشد. این جریانات در اصل خود مجبوری و مناسب و خاص است که خود را بالای فعالان ساحه سیاسی تحمیل می کند.

در مراحل مختلف ظهور دولت افغانستان قبایل رول دوگانه را بازی نمودند، از لا به لای پدیده تشکیل و تأسیس اساسنامه اتحاد های مؤقتی علیه یک دشمن مشترک، قبایل به تشکیل اولین گروه سیاسی پرداخت که از عین نظریات پیروی می کردند.

بر علاوه در شرایط مبارزه علیه استعمار، باشندگان مناطق کوهستانی برای یک تحرک نظامی به دور یک سمبول مذهبی جمع و رهنمایی گردیدند، که همانا جهاد است.

مفهوم جهاد، دفاع و حمایت ملی در یک چوکات مشخصه (master frame) فرهنگ سیاسی از زمان جنگ افغان - انگلیس در قرن نژده و شروع قرن بیستم بوده، که نشان دهنده یک ابزار کلان و بزرگی بسیج شدن اهالی برای دفاع از دین می باشد، در صورتی که وطن توسط یک قوای خارجی غیر مسلمان اشغال شده باشد. و این مشخصاً تعیین کننده ضرورت به تلاش و مقاومت و دفاع از دین بوده، در صورتی که دین در معرض خطر و تهدید قرار گرفته شده باشد.

مفهوم جهاد «در بازی های کلان» «grand jeu» روس و انگلیس یک وسیله توجیه به دشمن خارجی، که اساساً دفاعیه بوده، که سبب فراهم نمودن حقانیت و مشروعیت مذهبی و یک انسجام ملی، عیناً مانند مقاومت علیه اشغال شوروی در سال ۱۹۷۹ که در فضای یک جنگ سرد به وجود آمد.

ادامه دارد